

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سردبیر: دانیال معمار
مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سلامی
مدیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر: حسین ارجلو
شورنگار: مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
مدیر: مریم باقرپور
اقتصاد: مدیر: حسین لطفی
مدیر: مریم موسی‌پور
تماشای: مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
مدیر: لیلی فرسند

ایرانشهر: مدیر: زهرا عباسی
تندرستی: مدیر: عیسی محمدی
مدیر: مریم سرخوش
سرخ: مدیر: جواد عزیز
مدیر: محمد جعفری
دانشگاه: مدیر: ساسان شادمان
مدیر: زهرا خلجی
سرزمین من: مدیر: محمد باریکاتی

تهران مصور

پرواز نخستین بالن در تهران



بسیاری نمی‌دانند که اصطلاح «فیل هوا کردن» به نخستین پرواز بالن در تهران مربوط می‌شود. بالن خیلی پیش از عهد ناصری اختراع شده بود، ولی در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار بالن را به تهران آوردند. ماجرای این بود: «چند نفر خارجی از اتباع فرانسه ادعا کردند که چیزی اختراع کرده‌اند که می‌توانند با آن به هوا پرواز کنند. قرار نمایش آن را برای روزی در میدان مشق می‌گذارند و مردم هم که این خبر برایشان عجیب بود، برای تماشا هجوم می‌برند. فرنگی‌ها چادر برزنتی بسیار بزرگی را بر سر حفره‌ای که قبلاً دستور حفر آن داده و در آن کاه فراوان انباشته بودند گشوده، اطراف آن را با میخ‌ها و طناب‌های مخصوص به زمین محکم کرده... کم‌کم بالن بالا آمده، بزرگ و بزرگ‌تر، تا بهیولایی کرولی شکل شده، سرپایمی‌شود و آنگاه دهانش را به هم آورده، سیدی به زیرش بسته، یگر نفخ در آن می‌رود و در یک لحظه طناب‌های آن را بریده، رها می‌کند». بعد هم این طوری شد: «الن از جا کنده شد. طناب‌ها را رها کردند. فریاد مردم در میدان مشق پیچید. هر کسی چیزی می‌گفت، عده‌ای بنای کف و سوت زدن را پیش گرفتند و عده‌ای دیگر هاج و واج مانده از خدا طلب بخشش می‌کردند. هنوز هنر نمایی بالن بادشده در آسمان به پایان نرسیده بود که غول برنده راه سقوط را در پیش گرفت». پرواز نخست بالن در میدان مشق که با شکست مواجه شد، ماجرای جالبی پیش آمد. مردمان ساده‌دل عهد قاجار گمان کردند که این فرنگی‌ها می‌خواستند سر از کار خدا در بیارند یا مثلاً پیش خدا بروند و خدا زنده‌سپس کمان‌های جالب دیگر اینکه می‌گویند عده‌ای، بزرگی بالن را به بزرگی فیل تشبیه کردند و از همان موقع «فیل هوا کردن» به معنای «کار دشوار و عجیب انجام دادن» افتاد در دهان مردم.

اورلین بالن سواری در تهران شکت کامل گر و فراسوی بود

تاریخ در قلب تهران

میدان بهارستان هسته مرکزی تحولات تاریخ معاصر ایران و پایتخت بوده و همچنان بخشی از تاریخ شهر است



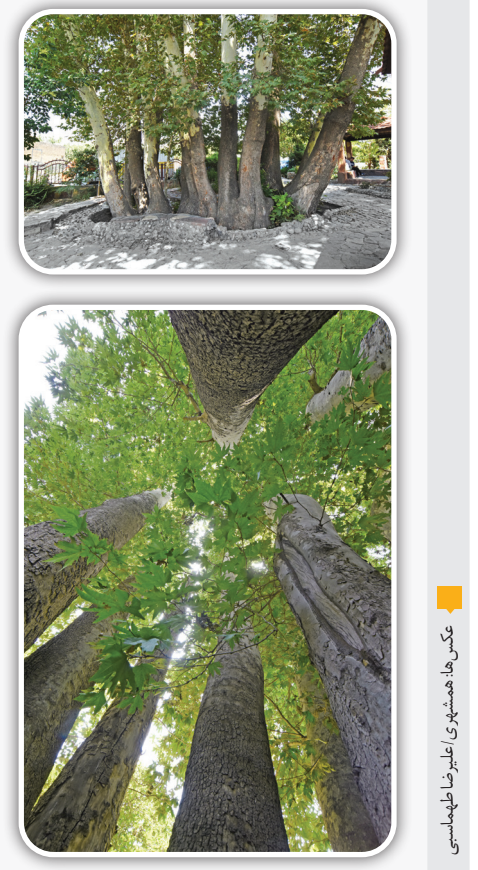
این باغ‌ها خیلی زود از بین رفتند و جای خود را به عمارت‌های تازه تاسیس دادند. وجود ساختمان مجلس در میدان بهارستان، آن را به یکی از سیاسی‌ترین میدان‌های شهر تهران تبدیل کرده است. یکی از مهم‌ترین رخدادها تشکیل نخستین مجلس قانونگذاری کشور در ضلع شمالی میدان بهارستان است. مجلس شورای ملی که نتیجه سال‌ها مبارزه مشروطه خواهان بود برای نخستین بار در این میدان و در عمارت میرزا حسین خان سپهسالار برپا شد. ۲ مجسمه شیر برنزی، شمشیر به دست در دوره مظفرالدین شاه در ست بالای ورودی ساختمان مجلس شورای ملی قرار داشتند و نماد «عدل مظفر» بودند. این دو مجسمه این روزها در ورودی ساختمان موزه مجلس در عمارت سپهسالار قرار دارد. میدان بهارستان و مجلس شورای ملی در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق هم بارها شاهد تظاهرات علیه دولت مصدق بود. به نظر می‌رسد اهمیت سیاسی بهارستان همچنان به قوت خود باقی است و همچنان بعد از چندین دوره فعالیت مجلس شورای ملی و بعد از آن مجلس شورای اسلامی در جوار این میدان، بهارستان محلی است برای اعتراض‌های صنفی و مردمی و بیان مطالبات آنها.



بهارستان - دهه ۵۰ | بهارستان - دهه ۴۰ | مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) - دهه ۳۰

کوچه گرد

چنار؛ درختی که هیچ وقت پیر نمی‌شود



چنار، شاه درخت‌های ایران است و در باورهای کهن، نه تنها به خاطر عظمت و عمر طولانی که به خاطر پوست‌اندازی هر ساله‌اش، نمادی از جوانی و حیات دوباره است. خاک تهران هم با چنار عجین است و آن را چنارستان هم گفته‌اند و محله‌هایی هم با نام هفت چنار و پانچنار دارد. شهرت چنارهای تهران در تاریخ هم ثبت شده و آمده که چنار بزرگ تجریش نمازگوی پلورا به خود جلب کرد. چنار سوخته امامزاده یحیی (ع) هم در باورهای عامه، شفا دهنده بیماری بود و مادران هر چهارشنبه بچه‌ها را برای شفا از سیاه‌سرفه دور این چنار می‌چرخاندند. هنوز هم چنارهای کهنسال بخشی از تاریخ زنده تهرانند؛ مثل چنارهای چندشاخه و وسعتی کن و آن چنار کهنی که وقت قدم زدن در کوچه‌های کین دیدم که دور قد و بالا پیش گشتم و آرزوی سلامتی و در امان ماندنش را از گردن‌ها کردم که زنی از راه رسید و ساد به درخت دخیل بست... یادم افتاد که چنار از دیرباز برای ما ایرانیان مقدس بوده است و نماد سرزندگی و حیات دوباره... و گفتم چه خامم که به زیارت عابدی آمده‌ام و جای دخیل به درگاهش، آرزوی من کنم برای او... او که چناری رعنا و زیباست و هر چه بالاتر برود دست‌هایش افشان‌تر می‌شود و خواهش اش کمتر. بازن هم دعا شده و چه خواهش بجایی هم داشت در این روزگار نابجای نامراد آشفته، چه آرزوی خوبی کرد در این روزگار آشفته؛ دعایی برای صلح جهانی و در امان ماندن دنیا از گزند جنگ و بلا. آمین!



در گلوبندک هم شب تمام می‌شود



هدایت کنند و چون از برخی قسمت‌های تنبوشه‌ها، آب با فشار بالا می‌زد، بهار آن از «شستر گلو»هایی بهی می‌پرند که به آنها گلوبندک می‌گفتند. بعد تحلیل فراوانی گلوبندک‌ها، این محله پر آب به نام گلوبندک معروف شد. محدود این محله قبل از دهه ۲۰ خورشیدی که تنها به چهارراهی محدود شد، از شرق به کوچه آشتیانی‌ها و خانه روحانی مشهور، میرزا حسن آشتیانی می‌رسید؛ از غرب محدود به خانه عضدالملک، از رؤسای ایل قاجار و از درباریان دوره قاجار محدود می‌شده از شمال به بازار و از جنوب به چاله حصار و خانه مستوفی‌الممالک، یکی از صدراعظم‌های ناصرالدین‌شاه قاجار است. این محله در آن روزگار از محله‌های اعیان‌نشین متصل به قدرت بوده و حالاً تنها به تقاطع خیابان ۱۵ خرداد با خیابان خیام محدود شده است. عمارت مستوفی‌الممالک یکی از عمارت‌های باقیمانده از آن روزگار گلوبندک، خانه مستوفی‌الممالک است. برخی معتقدند این عمارت، نخستین بنای تاریخی و فرنگی ناصری در ایران است.

تهران نامه



تمدن قیطر به در تهران در اواخر دهه ۱۳۴۰، بساز و بفروش‌هایی که تپه‌های قیطر به را می‌خراسیدند تا به جایش خانه‌های ویلایی بسازند به سفال‌ها و ابزارهایی برخوردند که پسرده از راز تمدنی ۳۲۰۰ ساله می‌داشت؛ تمدنی که به نام همان محل «تمدن قیطر» خوانده شد. تا آن زمان شاید باور عمومی این بود که پیشینه باستانی تهران به همان حوالی ری محدود می‌شود، اما این کشف و پیدا شدن آثار دیگری از هزاره‌های پیش از میلاد در تپه‌های عباس‌آباد، بوستان پنجم خیابان پاسداران و دروس نشان داد که تمام آبادی‌های ناحیه تاریخی قصران دوره‌های درخشان از استقرار اقوام کهن و خلافت‌های فرهنگی را پشت سر گذاشته‌اند.

دیروز نامه



نهضت مهارت آموزی اگر صفحات همشهری ۲۰ سال پیش را که در روز پنجشنبه، ۸ دی سال ۱۳۳۳ منتشر شده، ورق بزنید، در صفحه ۱۶ تصویر سوادآموزی به چشم می‌آید و ذیل آن، هفته سوادآموزی را گرمی می‌دارد. با افتخار باید گفت که عزم نهضت سوادآموزی و توجه رسانه‌هایی مثل همشهری از سال‌ها پیش نتیجه داده و حالا طبق آمار مرکز ایران در تابستان امسال، نرخ پاسوادی افراد بالای ۱۴ سال کشور به ۹۰ درصد رسیده است. البته که تا ریشه کنی بیسوادی، هنوز قدم‌هایی باقی مانده، اما برخی کارشناسان معتقدند در عصری زندگی می‌کنیم که باید عزم ملی خود را جزم کنیم تا نهضت مهارت‌آموزی را همه گیر کنیم؛ مهارت‌هایی مثل مهارت‌های فردی، اجتماعی و حتی سواد رسانه‌ای.